

## شهید دکتر مصطفی چمران

مصطفی چمران، در سال ۱۳۱۱ در خیابان پانزده خرداد تهران بدنیا آمد. وی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه انتصاریه، نزدیک پامنار گذراند و دوره متوسطه خود را در دارالفنون و البرز سپری کرد. پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت.

در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان ممتاز، راهی آمریکا شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروف ترین دانشمندان جهان در کالیفرنیا و دانشگاه برکلی آمریکا، با اخذ ممتازترین درجه علمی موفق به دریافت دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید.

مصطفی چمران در سن ۱۵ سالگی در کلاس درس تفسیر قرآن مرحوم آیت الله طالقانی، در مسجد هدایت و کلاس درس فلسفه و منطق استاد شهید مرتضی مطهری شرکت می کرد. وی در دانشگاه نیز از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود و در مبارزات سیاسی دوران دکتر مصدق، از مجلس چهارم تا ملی شدن صنعت نفت حضور داشت و از نیروهای فعال در پاسداری از نهضت ملی ایران به شمار می رفت. بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سقوط حکومت دکتر مصدق، به نهضت مقاومت ملی ایران پیوست و تا خارج شدن از ایران در مأموریت های سخت و پرخطر شرکت می کرد.

در سال ۱۳۳۷، چمران با استفاده از بورس تحصیلی، عازم آمریکا شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروف ترین دانشمندان جهان در دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه برکلی آمریکا با ممتازترین درجه علمی موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما شد. وی در آنجا به کمک برخی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی کرد و از پایه گذران انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و از فعالین انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا به شمار می رفت. همین فعالیت های دانشجویی باعث قطع شدن بورس تحصیلی وی از طرف رژیم شاه شد، اما این اقدام باعث دلسرد شدن چمران نشد و از آن پس او تا پایان دوره دکتری در دانشگاه برکلی به عنوان پژوهش یار مشغول به کار شد.

مصطفی چمران، بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، به همراه تعدادی از دوستان و همفکران خود برای آموزش دوره های چریکی و جنگ های پارتیزانی راهی مصر گردید و به مدت دو سال در این کشور ساکن می شود و بعد از مدتی مسئولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی را به عهده گرفت. وی به کمک امام موسی صدر، حرکت محرومین و بعد جناح نظامی آن، یعنی «سازمان امل» را پایه گذاری کرد.

مصطفی چمران، با پیروزی انقلاب اسلامی و پس از ۲۵ سال دوری از کشور، به ایران برگشت و از همان روزهای اول، تجربیات خود را برای تثبیت اوضاع ایران به کار برد. وی مسئولیت‌هایی خطیر نظیر: معاونت نخست وزیری، وزارت دفاع، نمایندگی مجلس شورای اسلامی و نمایندگی رهبر انقلاب اسلامی در شورای دفاع بر عهده داشت.

زمانی که معاونت نخست وزیری را به عهده داشت، تمام شبانه روز تلاش می‌کرد تا هرچه سریع‌تر مساله کردستان را فیصله دهد. در اواخر مرداد ۱۳۵۸ و در جریان پاکسازی منطقه کردستان از نیروهای ضد انقلاب و در جریان محاصره پاوه به همراه نیروهای پاسدار معروف به «دستمال سرخ‌ها» به فرماندهی شهید علی اصغر وصالی توانستند پس از چند روز درگیری در حالی که روزه دار بودند منطقه را از لوٹ وجود ضد انقلاب پاک کنند.

دکتر چمران که در آن زمان معاون نخست وزیر دولت موقت بود، به همراه شهید تیمسار فلاحی، فرمانده نیروی زمینی ارتش و ابوشریف، فرمانده عملیات سپاه با بالگرد وارد پاوه شدند.

شهید فلاحی و ابوشریف به کرمانشاه برگشتند و از آن جا که جنگ به صورت مردمی بود، نیروهای دکتر چمران در ترکیب مردم جای گرفتند و نبرد را ادامه دادند.

بعد از پیروزی و پاکسازی پاوه وی به تهران آمد و از طرف حضرت امام خمینی (ره) به سمت وزارت دفاع منصوب شد.

دکتر مصطفی چمران در اولین دور انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد و تصمیم داشت در تدوین قوانین و نظام جدید انقلابی به ویژه ارتش سعی و تلاش نماید تا ساختار گذشته ارتش به نظام انقلابی و شایسته ارتش اسلامی تبدیل شود. وی سپس به نمایندگی حضرت امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع منصوب شد و مأموریت یافت تا به طور مرتب گزارش کار ارتش را ارائه دهد.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، با کسب اجازه از رهبر کبیر انقلاب اسلامی، به همراه آیت الله خامنه‌ای، نماینده دیگر امام در شورای عالی دفاع و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی به اهواز رفت. گروهی از رزمندگان داوطلب گرد او جمع شدند و او با سازماندهی و آموزش آن‌ها، ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. سپس به ایجاد واحد مهندسی فعال ستاد جنگ‌های نامنظم دست زد. وی به کمک این واحد، توانست در نقاط مختلف، جاده‌های نظامی بسازد و با نصب پمپ‌های آب در کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول تقریبی ۲۰ کیلومتر و عرض صدمتر در مدت یکماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن هدایت کند.

این اقدام نه تنها باعث عقب نشینی چند کیلومتری دشمن شد بلکه سبب شد نیروهای اشغالگر دیگر به فکر تسخیر اهواز نباشند.

پس از یاس نیروهای عراقی از تسخیر اهواز، آنان به فکر فتح سوسنگرد افتادند و به همین خاطر برای بار دوم این شهر را مورد حمله قرار دادند و به مدت سه روز تانک های اشغالگران شهر را محاصره کردند. در روز سوم تعدادی از نیروهای عراقی توانستند وارد شهر شوند. دکتر چمران که از این واقعه متاثر شده بود به همراه آیت الله خامنه ای، ارتش را برای حمله به دشمن آماده کرد و خود نیز نیروهای مردمی و سپاه پاسداران را در کنار ارتش سازماندهی کرد و با نظمی نو و شیوه ایی جدید از سمت جاده اهواز - سوسنگرد به دشمن حمله بردند.

با این که در این مبارزه تعدادی از نیروها و هم‌زمان دکتر شهید و یا مجروح شدند ولی وی توانست شجاعانه جنگ را هدایت کند و سوسنگرد را از خطر محاصره نجات دهد.

پس از پیروزی در حمله سوسنگرد، در سی و یک اردیبهشت سال ۱۳۶۰، با یک حمله هماهنگ و برق آسا، ارتفاعات الله اکبر نیز فتح شد که پس از پیروزی سوسنگرد، بزرگترین پیروزی تا آن زمان بود. پس از فتح ارتفاعات الله اکبر نوبت به فتح دهلاویه رسید. نیروهای شجاع ستاد به فرماندهی ایرج رستمی و دکتر چمران، پلی بر روی رودخانه کرخه ساختند، پلی ابتکاری و چریکی که خود ساخته بودند. از رودخانه عبور کردند و به قلب دشمن تاختند و دهلاویه را فتح کردند. ایرج رستمی، فرمانده منطقه دهلاویه در سحرگاه سی و یکم خرداد ماه ۱۳۶۰ به شهادت رسید.

دکتر چمران که به شدت از این حادثه ناراحت شده بود، در همین روز یکی دیگر از فرماندهان خود را احضار کرد و او را به منطقه دهلاویه برد تا به جای رستمی معرفی کند. بعد از معرفی فرمانده جدید، به سمت سوسنگرد رفت و در بین راه آیت الله اشراقی و شهید تیمسار فلاحی را ملاقات کرد و سپس راهی دهلاویه شد و همه رزمندگان را در کانالی پشت دهلاویه جمع کرد و شهادت ایرج رستمی را به آن ها تبریک و تسلیت گفت و فرمانده جدید را به آنان معرفی کرد. بعد به همه سنگرها سرکشی کرد. ناگهان یکی از خمپاره های صدامیان، پشت سر دکتر منفجر شد و ترکش خمپاره به پشت سر دکتر چمران اصابت کرد. به سرعت وی را با آمبولانس به بیمارستان سوسنگرد که بعدها به نام شهید دکتر چمران نامیده شد، رساندند و کمک های اولیه را انجام دادند و آمبولانس دوباره راهی بیمارستان اهواز شد. ولی در نیمه راه دکتر مصطفی چمران به دلیل جراحات شدید نتوانست به بیمارستان اهواز برسد و سرانجام به آرزوی دیرینه خود یعنی شهادت رسیدند.